



بررسی پدیده نوروز در فرهنگ

افغانستان و ترکی



فاروق انصاری



چکیده

شاید بتوان نوروز را تنها سنت کهن و باستانی‌ای دانست که طی قرون و اعصار هم چنان باقی مانده و باورها و اعتقادات تاریخی و پیش از تاریخ نتوانسته است آن را از بین ببرد و یا حتی کم رنگ کند. امروزه نیز ملل و کشورهای فراوانی در شرق عالم از چین تا مدیترانه، آن را شکوهمندانه گرامی می‌دارند و آیین‌ها و رسوم آن را با اندک تفاوتی برگزار می‌کنند؛ به خصوص این رسم باستانی در دو کشور افغانستان و ترکیه به شکل باشکوهی گرامی داشته می‌شود.

جدا از گذشته طولانی برگزاری آیین‌ها در سرزمین ترکیه به ویژه در عصر عثمانی‌ها که سلاطین، با عظمت‌ترین مراسم نوروزی را در کاخ سلطنتی خویش اجرا می‌کردند و صدراعظم و دیگر بزرگان مملکت، هدایا و تحف‌شان را به سلطان پیشکش می‌کردند، در افغانستان نیز آیین‌ها و سنت‌ها قدمتی به اندازه تاریخ این کشور دارد؛ اما فی الواقع شکوهمندانه‌ترین جشن‌ها در بارهای ترکی خراسان یا افغانستان کنونی در روزگار غزنویان ترک برگزار می‌گردید و پس از ایشان آیین سنت فرهنگی هم چنان در این سرزمین پایدار ماند و مردمان این کشور چه در شهرها و چه در روستاها با شور و شادی، روز اول سال شمسی یا نوروز را با انجام مراسم خاصی گرامی می‌دارند.

علت اصلی ماندگاری و گسترده‌گی آیین جشن باستانی به نظر می‌رسد، آن باشد که آیین‌ها و رسوم نوروزی تابع حوادث خاص تاریخی، سیاسی، اجتماعی و یا حتی وقایع ملی نبوده است و ملل مختلف شرقی به خصوص افغانستانی‌ها و ترکان آن را از روی اعتقاد و باور به مفاهیمی که هیچ‌گاه دست‌خوش مرور زمان نگردیده و نمی‌شود، برگزار کرده‌اند و هنوز هم بزرگ می‌شمارند و جشن می‌گیرند. هم‌چنین در ترکیه نیز به ویژه از سال ۱۹۹۰ به این سو، به آیین سنت فرهنگی توجه ویژه‌ای معطوف داشته و دولت آن کشور با برپایی همایش‌ها، کنفرانس‌ها و انتشار کتب و جزوات سعی در معرفی و نیز برگزاری آیین جشن طبیعی کرده است. این مقاله بررسی پدیده نوروز با تأکید بر همین ویژگی‌ها است.

کلید واژه: نوروز، رسوم نوروزی، آیین باستانی، ترکیه عثمانی، دربار غزنوی، افغانستان، ترکیه.

مقدمه

شواهد مختلف، دیرینگی جشن نوروز در میان ملل و اقوام مختلف آسیایی و به ویژه آیین‌ها و ترکان را نشان می‌دهد. آیین جشن که به رغم حوادث متنوع و مختلف تاریخی، سیاسی و اجتماعی هم چنان بر جای مانده است، تنها جشنی است که در بیشتر کشورهای آسیایی، با انجام آداب و رسوم خاص و زیاده‌تر مشابه به یکدیگر، برگزار می‌شود و به مانند یکی از میراث‌های ارجمند تاریخ بشر بدان نگرسته می‌شود؛ زیرا جشن زایش دوباره طبیعت بوده و بنا به باور عام، جهان مادی دچار دگرگونی و تغییر و نوزایی می‌شود. بنابراین، نوروز به عنوان یک موضوع مهم فرهنگی و اجتماعی می‌تواند مورد مطالعه و مذاقه واقع شود، به خصوص آن که این کار، از حیث باورها و اعتقادات و نیز آداب و رسوم ارج‌گذاری در میان افغانستانی‌ها و ترکان نیز می‌تواند به رشته مهمی از پیوندهای دوستی منجر شود. از این رو، بررسی پدیده مذکور به ویژه با رویکرد مقایسه‌ای به زعم ما کمک خوبی به تحکیم روابط دو کشور افغانستان و ترکیه خواهد کرد و افق‌های جدیدی از تفاهم و همکاری را خواهد گشود، به خصوص آن که کشور ترکیه توجه ویژه‌ای به این پدیده معطوف داشته و به عنوان بخشی از سیاست فرهنگی خویش در صدد معرفی و برگزاری هر چه نیکوتر آیین‌های نوروزی در ترکیه و نیز کشورهای آسیای مرکزی برآمده است.

متن

گویند نوروز به معنای روز نو و تازه و روزی که سال نو بدان آغاز گردد. در اصل در زبان پهلوی «نوک‌روج» (Nok Roc) و یا «نوک‌روز» (Nog Roz) بوده است. (لوح نخست، ۱۳۸۸: ۲) و به نوشته بیرونی در التفهیم «نخستین روز از فروردین ماه و از این جهت، روز نو نام کردند که پیشانی سال نواست.» (معین، ۱۳۸۷: ۴۳).

آریایی‌ها (ایرانی‌ها) عمدتاً آن را به جمشید پادشاه اساطیری نسبت داده‌اند و گویند که چون جمشید «زیاد در شاهراه گردش می‌نمود و چون خواست به آذربایجان داخل شود بر سبیری از زر نشست و مردم به دوش خود آن تخت را می‌بردند و چون پرتو آفتاب بر آن تخت بتابید و مردم آن

نوروز به عنوان یک موضوع مهم فرهنگی و اجتماعی می‌تواند مورد مطالعه و مذاقه واقع شود، به خصوص آن که این کار، از حیث باورها و اعتقادات و نیز آداب و رسوم ارج‌گذاری در میان افغانستانی‌ها و ترکان نیز می‌تواند به رشته مهمی از پیوندهای دوستی منجر شود.

را دیدند، این روز را عید گرفتند.» (بیرونی، ۱۳۷۷:

۳۲۷). فردوسی در شاهنامه نیز مبدع نوروز را

جمشید دانسته و آورده است:

به جمشید بر، گوهر افشانند

مر آن روز را روز نو خواندند

سر سال نهر مز فرودین

بر آسوده از رنج تن دل ز کین

بزرگان به شادی بیاراستند

می و جام و راهشگران خواستند

چنین روز فرخ از آن روزگا

بمانده از آن خسروان یادگار

از جانب دیگر قوم بزرگ آسیایی دیگر (ترکان)

آن را منسوب به خویش دانسته و در اساطیر و

افسانه‌های آنان نوروز ترجمه شده مفهوم «یئنی‌گون»

ترکی دانسته شده است؛ زیرا برخلاف قواعد زبان

فارسی که در آن صفت بعد از موصوف می‌آید

مانند روز نو، در این جا صفت قبل از موصوف و

به صورت «نوروز» آمده است. این نشان می‌دهد

که کلمه مذکور (نوروز) احتمالاً ترجمه یئنی‌گون

(یئنی=نو) (گون/اقون = روز) ترکی است. دکتر

محمدزاده صدیق نیز با توجه به همین ویژگی معتقد

است که لفظ «نوکروز» گونه تلفظ فارسی از «یئنی



در جهان ترک نیز سابقه و ریشه جشن نوروز به اسطوره «ارگنه‌قون» بر می‌گردد که پیشتر به آن اشاره شد و بیشتر متعلق به سبک زندگی شبانی و شیوه معیشت‌شان در خاستگاه اصلی ترکان، آسیای مرکزی است. کاربرد نام‌های مختلف و متنوع برای جشن نوروز و پدیده آغاز سال از سوی دسته‌های مختلف ترک نشانگر اقبال و وسیع مردم از پدیده مذکور است و در عین حال، اهمیت و رویکرد خاص ترکان به آغاز سال، تغییر طبیعت پیرامون و شروع بهار را نشان می‌دهد

نعوی زیر تأثیر حوادث تاریخی، سیاسی، اجتماعی و قومی است، چنین خاصیتی نداشته و پیوند مستقیم با آفرینش و طبیعت دارد و جشنی است متعلق به فطرت و هستی آدمی؛ زیرا نوروز به علت وابستگی به طبیعت و رابطه‌ای که طبیعت با خدا و انسان دارد به وجود آمده و سپس استمرار یافته است و شاید به همین دلیل مورد قبول و تأیید ادیان، مذاهب و عقلائی عالم قرار گرفته است. بنابراین، تا جایی که حافظه تاریخی بشر به یاد دارد، عمدتاً اقوام آسیایی و به‌ویژه آریین‌ها و ترکان آن را بزرگ و نیکو شمرده‌اند. در روایات آریایی (ایرانی) نوروز سابقه‌ای چند هزار سال پیش از میلاد داشته و بر حسب متون پارسی، جمشید، جمشاد یا جمع‌الشاد آن را بنیاد گذاشته است و برخی نوشته‌اند که «بر اثر محاسباتی که در زمان کیومرث شد، معلوم گردید که فروردین (حمل) در هر سال چند ساعت از موقع اصلی خود عقب افتاده است و در مدت هزار و چهارصد و شصت و یک سال باز بدان محل که نقطه اعتدال ربیعی باشد باز می‌گردد. از موقعی که کیومرث حساب سال شمسی را پیدا کرد تا صد و بیست و یکمین سال سلطنت جمشید این روز به آخر رسید و فصل به محل نخستین باز گشت. چون جمشید آن روز را دریافت جشن ساخت و نوروزش نام نهاد...» در ادامه همین سخن ابو عثمان جاحظ گوید: «اول کسی که نوروز را به وجود آورد کیاسخرو بن پرویز جهان است و اصل در نوروز این بود که او در این روز بر دنیا پادشاه شد و اقالیم ایران شهر را آبادان گردانید» که محتملاً کیاسخرو بر همان جمشید تعلق گیرد (خاتمی، ۱۳۸۹: ۴).

بیرونی نیز در آثار الباقیه همین روایت را با کمی تفصیل بیان داشته است (ن.ک: بیرونی، ۱۳۷۷: ۳۳۱-۲۲۷). در روایات ایرانی، این روز هم‌چنین روز تولد کیومرث نخستین پادشاه، روز تولد هوشنگ شاه پیشدادی و کیخسرو پور سیاوش و زرتشت پیامبر آریایی و هم‌چنین روز رخدادهای مبارک دیگری مانند برگزیده شدن زرتشت به پیامبری و ایمان آوردن شاه گشتاسب و بانو کتایون و جاماسب به آیین مزدیسنا دانسته شده است.

شاهان هخامنشی از جمله داریوش (۴۸۴-۵۲۱ ق.م) به هنگام نوروز به معابد می‌رفتند و در این ایام بار عام می‌دادند و در تخت جمشید مراسمی برگزار می‌شد و طی آن شاه نمایندگان اقوام قلمرو خویش را به حضور می‌پذیرفت و تحف و هدایایی از آن‌ها دریافت می‌کرد (لوح نخست، ۱۳۸۸: ۲). پسان‌تر در روزگار ساسانیان این عید برای شش روز دوام داشت و شاهان و مردم در هر روز مراسم و آیین‌های خاصی را برگزار می‌کردند (بیرونی، ۱۳۷۷: ۳۳۲). در همین روزگار، کوشانیان در خراسان یا افغانستان امروزی جشن نوروز را در معابد بودایی و آتشکده‌ها برپا می‌کردند و به روایت شوان زینک سیاح چینی در چار شهر شاهی بامیان در کنار معبد، مراسم جشنی به نام «دوتشو» در نوروز برگزار می‌شد و طی آن پادشاه، اموال و جواهرات سلطنتی و حتی فرزندان خویش را وقف می‌نمود (پنجشیری، ۱۳۹۶: ۹).

از سوی دیگر در جهان ترک نیز سابقه و ریشه جشن نوروز به اسطوره «ارگنه‌قون» بر می‌گردد که پیشتر به آن اشاره شد و بیشتر متعلق به سبک زندگی شبانی و شیوه معیشت‌شان در خاستگاه اصلی ترکان، آسیای مرکزی است. کاربرد نام‌های مختلف و متنوع برای جشن نوروز و پدیده آغاز سال از سوی دسته‌های مختلف ترک نشانگر اقبال وسیع مردم از پدیده مذکور است و در عین حال، اهمیت و رویکرد خاص ترکان به آغاز سال، تغییر طبیعت پیرامون و شروع بهار را نشان می‌دهد؛ مثلاً از جمله نام‌های مذکور می‌توان به این‌ها اشاره کرد: «یننی‌گون، سلطان نوروز، باهار بایرامی، جیلقاییق، ایلباشی، نوروز، ارگنه‌قون، بوزقورد، چاغان، دیریلش، اکرین‌گون، قورتولوش‌گونو، گون دونومو، ایلک یاز بایرامی، مرکس، مصیر بایرامی، میرام، نوروز، نوز، سلطان متوریز، ته‌زایل، اولوس‌گونو، یوروک بایرامی...» (نوروز یننی‌گون) در فرهنگ ترکان، (http://ammi.ir: ۱۳۹۲). نکته دیگر که باز با شکل و شیوه معیشت و زندگی دامپروزی ترکان در روزگار باستان ارتباط می‌گیرد، استفاده ترک‌ها از تقویم دوازده حیوانی است و تا جایی که تحقیقات نشان می‌دهد اصولاً ایشان را می‌توان مبدع و مبتکر این تقویم دانست؛ تقویمی که به شکل حیرت‌آوری تا هنوز کاربرد دارد. این تقویم در میان دانشمندان مسلمان به نام‌هایی «تاریخ ترک، تاریخ ترکستان، تاریخ ختن، ویغور و یا تاریخ ترکان» مشهور است و به‌خصوص ابوریحان بیرونی در آثارش مانند کتاب آثار الباقیه عن القرون الخالیه، کتاب التفهیم لاوائل صناعه التنجیم و نیز در قانون مسعودی اشاراتی به این

گوگون» (Yengikun) ترکی است. وی هم‌چنین تصریح دارد که «اغلب آیین‌ها و رسوم رایج میان پارسیان کهن از ترکان باستان و فرهنگ دیرین سال ترکی اخذ شده است.» وی می‌افزاید که «عید نوروز در اصل یکی از اعیاد ترکان ساکن اصلی فلات ایران می‌باشد.» (صدیق، ۱۳۹۶: http://www.duzgun.ir).

در فرهنگ باستانی ترکی نیز این روز صورت اساطیری یافته و با داستان خروج از «ارگنه‌قون» سرزمین اولیه افسانه‌ای ترکان گره خورده است؛ زیرا در این روز (نوروز) اقوام اولیه ترک پس از ۴۰۰ سال اقامت در ارگنه‌قون به معنای کوه بلند که از ترس مغولان بدان‌جا پناه برده بودند، سرانجام در چنین روزی با راهنمایی ماده‌گرگی زیبا و اسرارآمیز از سرزمین مذکور بیرون شدند و به سرزمین‌های دیگر مهاجرت کردند (نوروز در فرهنگ ترکان، ۱۳۹۶: http://ammi.ir).

نوروز در روزگار باستان

شاید پیشینه جشن نوروز به سده‌ها و هزاره‌های پیش برگردد؛ زیرا این عید برخلاف دیگر مراسم که به



شاهان هخامنشی از جمله داریوش (۴۸۴-۵۲۱ ق.م) به هنگام نوروز به معابد می رفتند و در این ایام بار عام می دادند و در تخت جمشید مراسمی برگزار می شد و طی آن شاه نمایندگان اقوام قلمرو خویش را به حضور می پذیرفت و تحف و هدایایی از آنها دریافت می کرد. پسان تر در روزگار ساسانیان این عید برای شش روز دوام داشت و شاهان و مردم در هر روز مراسم و آیین های خاصی را برگزار می کردند.

و جنوب هندوستان نسبت می دهند؛ اما بیشتر منابع این تقویم را متعلق به ترکان باستان و تقویم ترکی دانسته اند؛ کما این که ابوریحان بیرونی و محمود بن الحسین بن محمد معروف به کاشغری (معاصر بیرونی) چنین نظری داشته اند و به خصوص کاشغری در دیوان لغات الترک (تألیف ۴۴۶ قمری)، ضمن بیان معانی ۱۲ اسم مربوط به ۱۲ ماه تقویم ترکان اشاره ای نیز به تاریخچه پیدایش این تقویم می کند و به صورت افسانه گونه ای آن را نتیجه تلاش یکی از پادشاهان ترک محسوب داشته است. (نبی، ۱۳۶۶: ۸۳-۸۲).

نکته درخور دقت و جالب اعتقاد گروه های زیادی از مردم در جهان به

تقویم کرده است. در آثار الباقیه در جدولی که برای تقویم های ملل مختلف ترتیب داده است، اسامی ماه های ترکی را نیز ذکر کرده است که عبارتند از: ۱. سچقان یا کسمو (موش)؛ ۲. اود یا سغر (گاو نر)؛ ۳. بارس (پلنگ)؛ ۴. تفسان یا تفسی جان یا تفسان (خرگوش)؛ ۵. لو (نهنگ)؛ ۶. بیلان (مار)؛ ۷. یونت (اسب)؛ ۸. قوی (گوسفند)؛ ۹. بیجین (میمون)؛ ۱۰. تغاقوی یا تخاقوی (مرغ خانگی)؛ ۱۱. ایت (سگ)؛ ۱۲. تونگوز (خوک).

هرچند در مورد این که چه کسی نخستین بار این تقویم را ابداع کرد مطالب مختلفی در منابع ذکر شده است از جمله بعضی آن را به بودا و شماری نیز به ختانیان (چینی ها) و یا دیگر زردپوستان شرقی و جنوب شرق

نوروز در دوره اسلامی

هرچند در نخستین قرون اسلامی جایگاه باورها و سنن قدیمی و باستانی قدری متزلزل و از اهمیت بسیاری از سنت‌ها کاسته شد؛ اما نظر به ویژگی‌ها و خصصت خاص نوروز که بیشتر با طبیعت مخلوق خداوند توانا و طبیعت درونی انسان سازگاری داشت، این رسم بار دیگر احیا گردید و اسلام نیز که بنانهاده شده بر فطرت آدمیان بود، با آن عناد و مخالفت جدی نکرد. به گزارش جاحظ در المحاسن والاضداد حضرت علی (ع) هدایای نوروزی عجمان را پذیرفت و فرمود: «هر روز نوروز ماست» و سپس در دربار خلفای اموی دریافت تحف نوروزی امری رسمی شد و در عهد خلفای عباسی کار بدان جا رسید که حمزه بن حسن اصفهانی رساله‌ای با عنوان «اشعار السائره فی النوروز و المهرجان» تألیف کرد (خاتمی، ۱۳۸۹: ۴-۵).

طرفه‌تر آن که فرمانروایان ترک غزنوی خراسان (افغانستان کنونی) که به دلیل فراوانی زر و نقود و غنایم و ثروت‌های افسانه‌ای هند غرق تجمل و عشرت بودند، در برگزاری جشن‌های بزرگ و با شکوه و مملو از مراسم خاص شادایانه شهره بودند و در روزهای نوروز و عید، افزون بر برپایی مجالس بزرگ که معمولاً در کنار باغ‌ها و گل‌های رنگارنگ و با حضور مطربان و آوازخوانان شکل می‌گرفت، صله‌ها و هدایای فراوانی به شاعران و مدح‌گویان اعطا می‌کردند.

«و روز... جشن... از آفاق مملکت هدیه‌ها که ساخته بودند پیشکش را در آن وقت بیاوردند و... شعرا شعر خواندند و صلت یافتند که این خداوند، شعر می‌خواست و بر آن، صلت‌های شگرف می‌فرمود.»

و نیز: «و شراب روان شد و آواز مطربان از کشتی برآمدند و بر لب آب... زنان پای کوب و طبل زن افزون سه صد تن دست به کار بردند و پای می‌کوفتند و بازی می‌کردند، و... کاری رفت چونان که مانده‌ای آن، کس ندیده بود... و پنجاه هزار درم بیت‌المال صلتی بر پیاده‌گان قلعت باید داد و پنجاه هزار درم بدین مطربان و پای‌کوبان...» (انصاری، ۱۳۹۴: ۱۴۹-۴۸).

در همین عهد (غزنویان) از حسن قضا و تصادف، نوروز در سال ۴۵۸ ش. / ۴۷۱ ق. / ۱۰۷۹ م. برابر شد با اعتدال ربیعی و جشن بهار؛ کما این که فرخی سیستانی این تقارن را در بیتی چنین انعکاس داده است:

از این فرخنده فروردین و خرم جشن نوروزی

نصیب خسرو عادل، سعادت باد پیروزی

و لذا بفرمودند و جشن را با تشریفات بیشتری برگزار کردند (مرادی، ۱۳۹۰: ۴۷ / پنجشیری، ۱۳۹۶: ۱۰).

شاهان سلجوقی و خوارزمشاهی ترک نیز بر چنین رویه‌ای بودند.

و اما در جهان ترک، مراسم یئنی گون یا نوروز پس از اسلام از یک سو با باورها و اعتقادات دینی ایشان درهم آمیخت و از سوی دیگر به دلیل مهاجرت‌ها و کوچ‌های دسته‌جمعی که ترکان در درون سرزمین‌های خلافت انجام دادند، در مسیر راه و نیز محل اسکان زیر تأثیر آداب و رسوم دیگر اقوام و ملل نیز واقع شدند. بنابراین، در زیر تأثیر دو عامل فوق، مفاهیم جدیدی را به تدریج در پیوند با نوروز مطرح کردند که در عین حال نشان‌دهنده باور ضمنی ایشان به ارزش‌های دینی نیز می‌باشد، از جمله آن که به عقیده ترکان موارد زیر در روز نوروز به وقوع پیوسته است:

- خداوند زمین، ستارگان و خورشید را در این روز خلق نمود؛
- حضرت ابوالبشر آدم در همین روز به وجود آمد؛
- طوفان حضرت نوح در همین روز فروکش کرد و وی قدم بر زمین نهاد؛
- حضرت یونس از زندان شکم ماهی نجات یافت؛
- حضرت یوسف در همین روز از چاه برادران به درآمد؛
- حضرت موسی در چنین روزی دریای نیل را بشکافت؛
- حضرت ختم رسالت حضرت محمد مصطفی (ص) در همین روز به پیامبری مبعوث شد؛
- حضرت علی (ع) در چنین روزی زاده شد و بعدها در همین روز با حضرت فاطمه (س) ازدواج کرد (نوروز «یئنی گون» در فرهنگ ترکان، ۱۳۹۶: <http://ammi.ir>).

در نخستین قرون اسلامی جایگاه باورها و سنن قدیمی و باستانی قدری متزلزل و از اهمیت بسیاری از سنت‌ها کاسته شد؛ اما نظر به ویژگی‌ها و خصصت خاص نوروز که بیشتر با طبیعت مخلوق خداوند توانا و طبیعت درونی انسان سازگاری داشت، این رسم بار دیگر احیا گردید و اسلام نیز که بنانهاده شده بر فطرت آدمیان بود، با آن عناد و مخالفت جدی نکرد.

احکام نجومی است که در کنار این تقویم به عنوان بخشی از فرهنگ ترک انتشار یافته و علاقه‌مندان و معتقدان زیادی پیدا کرده است؛ زیرا براساس احکام نجومی که باز حاکی از فرهنگ قومی ترکان است، هر سال دارای خصوصیات ویژه‌ای است که بر طبیعت و انسان تأثیر می‌گذارد و این تأثیر بیشتر شبیه به خصوصیات همان حیوان است. مثلاً ایشان سال مار را سال سخت و پر مشقت و همراه با ستم بر رعایا می‌دانستند و می‌گفتند که در این سال مردم سختی خواهند کشید و مانند مار پوست خواهند انداخت. سال موش را سال حیله و تزویر و ریا و شیوع دزدی و سال خوک را سال رواج فساد اخلاقی و رواج بی‌عفتی و اختلاف میان خانواده‌ها می‌پنداشتند (حیدری منفرد، ۱۳۸۷: ۲۴۱).

هرچند جنبه علمی این اعتقادات به ثبوت نرسیده است؛ اما به لحاظ روانی نمی‌توان بر تأثیر تلقینات بر روان و اجتماع انسانی چشم پوشید و شاید به همین دلیل باشد که همه‌ساله هنوز نوروز نرسیده، مردمان کشورهای چون افغانستان، ایران و ترکیه از همدیگر می‌پرسند که سال پیش رو متعلق به کدام حیوان است و این امر تأثیرات ماندگار فرهنگ ترکی را بر ملل آسیایی نشان می‌دهد.





توران اوزون بولسا اوزبکستان کوز
یونینگ ترافیگا بوقتور بوشقاسوز
تورکی میلادلار بینگ ایچینده فیروز
هورلوک تیمشولینگ اوزاسان ناووز
هر اینسان تاقدیرقا شکران آیلاب
سنینگ گلشینی قوتلار آتایلاب
باغریغا اولادی سنی آوایلاب
اوشاغینگ سن سنوه ن قیز یسان ناووز

واصلی آرا قوردوم رنگ امیش بویونا ساچس
تورکون تنگ اکزان ظاهیر اولور بولادی نوروز
هرگون قدر چلوبان
هرگون نوروز اولسون
و شاعر هموطن ما نورعلی کابلی نیز با این ابیات در وصف پنی گون به
استقبال از بهار برآمده است:

توران اوزون بولسا اوزبکستان کوز
یونینگ ترافیگا بوقتور بوشقاسوز
تورکی میلادلار بینگ ایچینده فیروز
هورلوک تیمشولینگ اوزاسان ناووز
هر اینسان تاقدیرقا شکران آیلاب
سنینگ گلشینی قوتلار آتایلاب
باغریغا اولادی سنی آوایلاب
اوشاغینگ سن سنوه ن قیز یسان ناووز
همچنان گروه زیادی از شاعران و نویسندگان جهان ترک با اشعار و
قصایدشان جشن نوروز و بهار را گرامی و بزرگ داشته اند که تنها فهرستی از
ایشان موجب طولانی شدن این مقال خواهد شد.

چنان که ملاحظه می شود همه موارد فوق بار معنایی دینی داشته و
حکایتگر باورها و اعتقادات مذهبی ترکان است، به نحوی که می توان گفت
ایشان پنی گون باستانی و تاریخی خویش را چهره جدید قدسی و الهی
داده اند، همچنان که پارسیان و ایرانیان نیز پس از اسلام آوری چنین کردند.

نوروز در فرهنگ نوشتاری ترک

با توجه به همین اهمیت پنی گون (نوروز) در فرهنگ ترکان، شاعران و بزرگان
ادبی ترک نیز به آن توجه خاص مبذول داشته اند و از زمره متقدمان می توان
از شاعران بزرگ ترک مانند کاشغری، نظامی گنجوی و علی شیر نوایی نام
برد که با مضمون جشن نوروز اشعار نغزی را سروده اند فی المثل کاشغری
در دیوان لغات ترک خویش به موضوع نوروز و دگرگونی طبیعت پرداخته و
سروده است:

تورلوگ چیچک یاریلدی: در بهار انواع گل ها شکوفه می دهند
بارچین یادخیم کثریلدی: به مانند این که از گرمی ابریشم نهان گشته
اوچماق یرثی کورولدو: محل جنت و بهشت نمایان شد
توملوک یانا کلکه سوز: و سرما هیچ وقت نخواهد آمد.
علی شیر نوایی نیز چنین به استقبال از نوروز شتافته است:



آداب و رسوم نوروزی الف. افغانستان

آیین‌ها و رسوم وابسته به نوروز در افغانستان از سابقه بس دراز برخوردار است. جدا از روزگار باستان که در آن انواع رسوم به مانند: میله سامانه، انواع مسابقات، ورزش‌ها و بازی‌ها، رقص و پایکوبی، آب‌پاشان و رد و بدل تحف و هدایا متداول بود (بیرونی، ۱۳۷۷: ۳۳۱/ پنجشیری، ۱۳۹۶: ۱۱). اکنون نیز با آغاز فصل بهار و به‌ویژه در ایام نوروز آداب و رسوم خاص اجرا می‌شود که فهرست بخشی از آن‌ها ابراز می‌گردد:

- تهیه شربت هفت میوه توسط خانم‌ها که آن را از میوه‌های خشک چون سنجد، بادام، پسته، کشمش، زردآلوی خشک، چهار مغز یا گردو و هیل آماده می‌کنند؛

- میله سمنک در شب اول نوروز؛

- برافراشتن جهنده (پرچم) بر مزارات به‌خصوص در مزار شریف در بلخ؛

- دود کردن اسپند برای دفع بلا و پلیدی و دفع چشم زخم و نظر در آن هنگام به‌خصوص در کابل می‌گفتند: اسپند، بلابند، بی‌گزند، به حق شاه‌اندیشه

نقشبند (اشاره به خواجه بهاء‌الدین بلاگردان نقشبندی)، چشم‌ایش، چشم‌خویش، چشم‌بداندیش، بسوزه به آتش تیز (جاوید، ۱۳۸۷: ۷۷۳).

- پاک‌کاری کوچه و خیابان و نیز خانه‌تکانی توسط خانم‌ها؛
- نهال‌شانی؛

- دید و بازدید فامیل‌ها و اقارب؛

- خواندن اشعار به صورت شفاهی توسط کودکان از جمله این شعر:

نوروز نو باز آمده

بلبل به آواز آمده

دل‌ها به پرواز آمده

بابا بدله نوروزی‌ام

گل‌ها به گلزار آمده
قمری به گفتار آمده
آهو به کهسار آمده

بابا بدله نوروزی‌ام
ای مادر نیکو سرشت
جای تو در طاق بهشت
طفلان کنندم سرزشت
توهم بدله نوروزی‌ام

خاله توهم تاج سری
از خلق دنیا بهتری
از زندگانی برخوردار

توهم بدله نوروزی‌ام
ماما تویی روح و روان
باشی همیشه در جهان
شادان و خندان و جوان

توهم بدله نوروزی‌ام (قنوتی، ۱۳۸۷: ۱۳).

ب. ترکیه

مراسم نوروزی در دربار سلاطین عثمانی چنان‌که اشاره شد، باشکوه خاصی برگزار می‌گردید. این مراسم نوروزیه یاد می‌شدند و به سه نوع تقسیم می‌شد:

۱. تهیه نوعی معجون مفید و شیرین توسط حکیم باشی‌ها؛
۲. رد و بدل کردن تحف و هدایا در میان اراکین و مقامات دولت عثمانی؛
۳. سرودن اشعار نوروزی.

توضیحاً عرض می‌شود که معجون شیرین نوروزیه در زمان عثمانی‌ها، امروزه به نام معجون مسیر (Mesir Mecunu) نامیده می‌شود. در مورد اصل این معجون گفته می‌شود که در سال ۱۵۳۹ م. هنگامی که

خانم سلطان سلیم اول و مادر سلطان مریم شادند، حکیمی به نام مصلح‌الدین که در دارالشفای ایالت مانیسا کار می‌کرد، چهل نوع گیاه و ادویه را به صورت معجونی درآورد و به حفصه مادر سلطان، تقدیم کرد. وی به توسط معجون مذکور صحت‌یاب شد. از این پس بنا بر خواهش سلطان همه‌ساله در روز نوروز معجون مذکور در مانیسا بر مردم نیز توزیع می‌گردید (Kose, 2012:94). امروزه برای تهیه معجون مسیر دستورالعمل‌ها و ترکیب‌های مختلفی استفاده می‌شود. امروزه نیز معجون ایالت نیسای ترکیه شهرت دارد؛ اما از آن در مراسم نوروزی استفاده نمی‌شود.

مورد دیگر آماده ساختن سفره هفت سین است و آن را در زمان عثمانی‌ها از کنجد (سوسام)، شیر (سوت)، نوعی نان حلقوی (سیمیت)، آب (سو)، شربت ثعلب (سالب)، زعفران (سفران) و سیر (سارم سگ) تهیه می‌کردند و در ظرف‌های نقره‌ای می‌گذاشتند و هدیه می‌کردند (Cetin, 2009:67).

از زمره رسوم نوروز یکی هم هدایای نوروزی بود که به نام نوروزیه یاد می‌شد؛ به‌ویژه در دربار همه ساله در روز نوروز از جانب صدراعظم، وزرا، والیان و دیگر اراکین دولت اسب و دیگر هدایای گران‌بها به پادشاه تقدیم می‌گردید و بالمقابل از جانب پادشاه نیز خلعت‌ها و هدایای مختلف اهدا می‌شد (Kose, 2012:97-98). اشعار نوروزی نیز در این ایام به پادشاه و سایر اراکین دولت تقدیم می‌شد. پادشاه و بزرگان دولت نیز به همین مناسبت اشعاری را می‌سرودند (Ibid).

به این ترتیب نوروز تا عهد مشروطیت دوم، در قصر عثمانی و نیز در میان مردم به صورت باشکوهی گرامی داشته می‌شد؛ اما پس از آن، مراسم مذکور بیشتر جنبه حکومتی به خود گرفت و مراسم آن به شکل دولتی و رسمی آغاز یافت. مصطفی کمال اتاترک نیز آن را ادامه داد و وی مراسم نوروز را با هدف تقویت وحدت ملی تشویق کرد. در سال‌های جنگ استقلال ترکیه، در انقاره جشن‌های بزرگ نوروزی برگزار شد و پس از تأسیس جمهوری نیز این مراسم تا سال ۱۹۲۶م. ادامه یافت و در این سال مراسم حکومتی آن پایان یافت، اما مردم ترکیه، تجلیل از نوروز را همچنان ادامه دادند.

امروزه در ولایات مختلف ترکیه رسوم و آداب مختلف نوروزی وجود دارد. نکته درخور توجه آن که دولت ترکیه جدید توجه ویژه‌ای به نوروز معطوف داشته و با برپایی همایش‌ها و کنفرانس‌ها و انتشار جزوات و کتاب‌هایی سعی در معرفی و برگزاری هرچه باشکوه‌تر آیین‌های نوروزی دارد. در همین راستا در سال ۱۹۹۰م. نوروز به عنوان عید و تعطیل رسمی کشور ترکیه پذیرفته شد. در آن سال رئیس جمهور وقت از عید نوروز به عنوان «امید تازه» در راه تحقق آرمان تشکیل دولت بزرگ ترک یاد کرد (بقایی، ۱۳۸۷: ۷۴۹). با چنین رویکردی امروزه نوروز در ترکیه گرامی داشته می‌شود و در این روز عموماً مردم این کشور به چمن زارها و تفریح‌گاه‌ها می‌روند، مراسم جشن و پایکوبی برگزار می‌کنند، خانه‌های خویش را پاک می‌کنند، غذاهای متنوع می‌پزند، با دوستان و اقارب خویش دیدار می‌کنند، به زیارت اهل قبور می‌روند، قربانی می‌نمایند و دیگر اعمال که همگی نشان از توجه، باور و اهتمام ایشان به این سنت دیرین فرهنگی است (Uca, 2007:151-182).

نتیجه

نتیجه آن که برخلاف نظر شماری از پژوهشگران که نوروز و مراسم وابسته به آن را متعلق و بنا نهاده شده یک قوم خاص می‌دانند. این جشن چه در باستان و چه هم اکنون یک جشن عام بوده و انسان‌ها بر اساس فطرت‌شان با

آن پیوند و ارتباط برقرار کرده‌اند، به‌ویژه دو قوم بزرگ شرق (آرین‌ها و ترکان) به دلایل وافره از جمله شرایط اقلیمی و زیستی و نیز نحوه معیشت و اشتغال خویش با نوروز آشنا شده، پیوند برقرار کرده و به علل تأثیرگذاری مثبت آن بر جنبه‌های مختلف زندگی خویش آن را به نیکویی گرامی و بزرگ داشته‌اند، جشنی بر پا کرده و از باب تفسیر خویش از دگرگونی مذکور، ادعیه و اعمال خاصی را نیز برای آن در نظر گرفته‌اند. جالب آن‌که این جشن، تابع حوادث و رویدادهای تاریخی، سیاسی، اجتماعی و دیگر اتفاقات کوچک و بزرگ واقع نشده و گرد ملال و غبار نسیان بر آن ننشسته است.

بنابراین، در تاریخ چندین هزار ساله گذشته در بیشتر سال‌ها از سوی ملوک و شاهان، بزرگان و ارکان ملک و ملت در عثمانی و خراسان، ترکیه و افغانستان امروزی، نیز به نیکوترین وجهی جشن و عید گرفته شده است؛ کما این که همین اکنون نیز چنین است و دو کشور و ملت افغانستان و ترکیه با آداب و رسوم نسبتاً مشابه، آغاز سال شمسی و بهار طبیعت را که یادآور صنع خداوند، تجلی صفت خالقیت الهی و بازگو کننده هدیه زندگی، رویش و جوشش است، جشن می‌گیرند و گرامی می‌دارند.

منابع و مآخذ

- انصاری، فاروق، غزنه و غزنویان تاریخ، کابل: بنیاد اجتماعی آریانا، ۱۳۹۴.
- بقایی، محمد، «گردونه نوروز در گذر زمان»، نوروزنامه، به اهتمام علی دهباشی، تهران: نشر نقد افکار، ۱۳۸۷.
- بیرونی، ابوریحان، آثارالباقیه، ترجمه اکبر دانا سرشت، تهران: امیرکبیر، چ ۴، ۱۳۷۷.
- پنجشیری، عزیزاحمد، «نوروز و خاستگاه آن»، گاهنامه فرهنگ، شماره ۲، ۱۳۹۶.
- جاوید، احمد، «نوروز در افغانستان»، نوروزنامه، به اهتمام علی دهباشی، تهران: نشر نقد افکار، ۱۳۸۷.
- حیدری منفرد، اصغر، «تقویم‌های گوناگون تحویل سال»، نوروزنامه، به اهتمام علی دهباشی، تهران: نشر نقد افکار، ۱۳۸۷.
- خاتمی، احمد، «نوروز در فرهنگ ایرانی - اسلامی»، کتاب ماه ادبیات، شماره ۳۶، ۱۳۸۹.
- صدیق، حسین محمدزاده، «عید نوروز»، (آخرین تاریخ دسترسی ۱۳۹۶/۵/۶)، به نشانی: <http://www.duzgun.ir>
- قنوتی، محمدجعفری، «نوروز و ادبیات شفاهی»، کتاب ماه ادبیات، شماره ۱۲، ۱۳۸۷.
- «لوح نخست»، کتاب ماه ادبیات، شماره ۳۵، ۱۳۸۸.
- مرادی، صاحب‌نظر، سلام بر نوروز آریایی، کابل: سعید، ۱۳۹۰.
- معین، محمد، «جشن نوروز»، نوروزنامه، به اهتمام علی دهباشی، تهران: نشر نقد افکار، ۱۳۸۷.
- نبینی، ابوالفضل، تقویم و تقویم‌نگاری در تاریخ، مشهد: آستان قدس رضوی، چ ۲، ۱۳۶۶.
- «نوروز در فرهنگ ترکان»، (آخرین تاریخ دسترسی ۱۳۹۶/۵/۶)، به نشانی: <http://ammir.ir>
- «نوروز (بنی‌گون) در فرهنگ ترکان»، (آخرین تاریخ دسترسی ۱۳۹۶/۵/۶)، به نشانی: <http://durnanews.ir>
- Cetin, Emrah (2009), Turk Dunyasinin Ortak Kultur mirasi: Nevruz, International Journal of Social Science, Vol.2/1, pp63-71.
- Kose, Fatih (2012) Osmanlilarda Nevruziyye Geleneklerine Tarihsil Acidan Bakis, EKEV Akademi Dergisi, Y.16, S.51, ss 93-102.
- Uca, Alaattin (2007), Turk Toplumunda Nevruz-11, A.u. Turkiyat Arastirmalari Enstitusu Dergisi, S.33, ss. 151-180.